



افکار پنهان ایرانیان

ایران در اندیشه کا قبال لاهیوری

•• [دکتر محمد حسن مقیسه] ••



افکار پنهان ایرانیان

ایران در اندیشه آقابلال لاهیوری

دکتر محمد حسن مقیسه

- سرشناسه : مقیه، محمد حسن، ۱۳۴۴ -
 عنوان و نام پدیدآور : افکار پنهان ایرانیان: ایران در اندیشه اقبال لاهوری / محمد حسن مقیه.
 مشخصات نشر : تهران، ترفند، ۱۳۹۶
 مشخصات ظاهری : ۳۰۷ صفحه رقعی
 شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۶۳-۴۴-۱
 وضعیت فهرست‌نویسی : فیبا
 یادداشت : کتابنامه
 موضوع : اقبال لاهوری، محمد، ۱۸۷۷ - ۱۹۳۸ -- نقد و تفسیر
 موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
 رده‌بندی کنگره : PIR۹۲۳۹/۸۴۷۱۳۹۶ یالف
 رده‌بندی دیویی : ۸۱۶/۶
 شماره کتاب‌شناسی ملی : ۴۶۰۵۳۴۴



تشریف‌دار
 TARFAND BOOKS

تلفن: ۶۶۹۵۵۴۴۱ - ۹۱۲۳۳۳۰۶۸

افکار پنهان ایرانیان

ایران در اندیشه اقبال لاهوری

دکتر محمد حسن مقیه

طراح جلد: تبسم غیثی

- ویراستار: سمانه عباسی
- نوبت چاپ: نخست ۱۳۹۶
- آمادہ‌سازی: چکاد
- شمارگان نسخه: ۵۰۰
- قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان
- شماره نشر: ۱۵۲
- شابک ۹۷۸-۶۰۰-۵۹۶۳-۴۴-۱

© حق چاپ: ۱۳۹۶، نشر ترفند

چون چراغ لاله سوزم در خیابان شما
غوطه‌ها زد در ضمیر زندگی اندیشه‌ام
مهر و مه دیدم، نگاهم برتر از پروین گذشت
تا سنانش تیزتر گردد، فرو پیچیدمش
فکر رنگینم کند نذر تهی‌دستان شرق
می‌رسد مردی که زنجیر غلامان بشکند
حلقه گرد من زنید، ای پیکران آب و گل!

ای جوانان عجم! جان من و جان شما
تا به دست آورده‌ام افکار پنهان شما
ریختم طرح حرم در کافرستان شما
شعله‌ای آشفته بود اندر بیابان شما
پاره لعلی که دارم از بدخشان شما
دیده‌ام از روزن دیوار زندان شما
آتشی در سینه دارم از نیاکان شما

سپاسگزاری و قدردانی

این کتاب، پس از لطف بیکران آن یگانه بی‌همتا و عنایت بزرگان آسمانی دین مُبین، از سرشاری کرامت آقایان دکتر قدم‌علی سرامی و نیز دکتر تورج عقدایی، بهره‌های پُر بار و نکته‌های حکمت‌مدار چیده است در چندوچون نوشتن و کاویدن و به بار نشاندن این شاخسار، همچنین از ابتدای طرح موضوع، جناب آقای دکتر محمد بقایی (ماکان) اندیشه گرانبار خویش را که در سه دهه از اقبال‌پژوهی آکنده‌اند، چون ابری باران‌ریز بر سر این کمترین گرفتند که قطره‌های نقره‌گون آن از در اختیار نهادن چندین کتاب و جزوه و مجله بر تمام وجودم باریدن گرفت، تا راهنمایی‌های فراوان. از آقای یونس عارف رضایی نیز که به‌ریز و از سر مدارا، زحمت ترجمه بخش‌های شعر اردو را به عهده داشتند؛ و استادان و عزیزان گرانقدر دیگری که گاه و بی‌گاه، حضوری یا تلفنی، به پیامی یا نوشته‌ای، این شاگرد مشتاق و در راه مانده را به سر منزل مقصود رهنمون شدند؛ به‌ویژه از آقایان دکتر مشیدی (از دانشگاه دولتی اراک) و دکتر مصطفوی (از دانشگاه علامه طباطبایی) و آقای دکتر زمان‌احمدی (از دانشگاه آزاد اسلامی اراک) که این کتاب را به‌دقت خواندند و نکات ارزشمندی را یادآور شدند؛ و سرانجام از همسر همراه و فرزندان چشم به راهم، بی‌نهایت سپاسگزارم و شادابی و شادکامی نهال وجود تک تک ایشان را در پرتو آفتاب آن تنهای توانا خواستار.

با امید به بخشندگی و بخشایشگری‌اش

محمدحسن مقیسه

شهریور ۱۳۹۴

به:

شیفتگان زبان و ادبیات فارسی در ایران و
آنان که از سرِ شیدایی این شعلهٔ تابناک و
فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی
را در سراسر جهان
روشن نگه داشته‌اند.

فهرست

پیش درآمد ۹

فصل اول: زندگی‌نامه، آثار، سبک ادبی، جهان‌بینی و افکار علامه محمد اقبال لاهوری ۱۳

فصل دوم: ایران در آیینۀ تاریخ، طبیعت، فرهنگ و تمدن ۴۷

فصل سوم: اقبال و پی‌جویی سنت ادبی ایران ۱۰۵

فصل چهارم: اقبال و تأثیرپذیری از شخصیت‌های بزرگ ایران ۲۰۹

کتاب‌نامه ۲۹۹

پیش‌درآمد

سرزمین ایران با دارا بودن ادبیاتی پُر بار که عالی‌ترین معارف انسانی را بازتاب داده و نیز برخوردار از گنجینه میراث والاترین دستاوردهای عقلی بشر در طول تاریخ، در کنار وسعت و برکت خاک و تنوع آب و هوا، و سنت‌هایی که همواره سرمشق فراگیری برای دیگر ملت‌ها بوده، گوناگونی اقوام در همزیستی داخلی، ظهور ادیان استخواندار با انبوهی از پیروان، زنده بودن روح جمعی که عقربه آن در جهت بالندگی و گسترش آرامش همواره در حال کوشش بوده است، کانون خلاقیت‌های نوبه‌نو، مرکز امیدآفرینی و شادزیستی، قرار داشتن در چهارراه پیوند با مهم‌ترین تمدن‌های دوران کهن‌زیست انسان - از چین تا شبه‌قاره و بیزانس و مصر- و در قلّه این ارزش‌ها، بهره‌مندبودن از خط و زبانی که آهنگ و موسیقی آن گوشنواز و تاب و توان آن برای بر دوش کشیدن ظریف‌ترین معرفت‌های بشری از فلسفه و عرفان تا نجوم و علوم طبیعی و دانش‌های نقلی و عقلی فراوان، بدیهی است که از گذشته‌های دور هدف بسیاری از نخبگان از کران تا کران جهان قرار گیرد برای پژوهش‌های تاریخی، علمی، ادبی و فرهنگی.

«دکتر محمد اقبال لاهوری»- این برهمن‌زاده رمزآشنای روم و تبریز- یکی از همین پژوهشگران و از مردان فحل روزگار ماست که با طبع خالصانه و فراست مؤمنانه خویش، رقیقه‌ها و دقیقه‌های ایران لبالب از دانش و کوشش را دریافت و دل و دیده خود را با عطر بهاری‌اش مانایی داد.

هدف این کتاب، بررسی نگاه این دانشمند و فیلسوف معاصر پاکستانی به فرهنگ و تمدن برخاسته از ایران زمین و ارزیابی و تأثیرگذاری آن بر آثار وی است. این پژوهش سر آن دارد که نشان دهد اقبال در همهٔ پویه‌ها و روش زندگی علمی خود، به‌راستی متأثر از سنت‌های ملی ایران و آثار فخیم و روش دانشمداران بزرگان فهیم آن بوده است.

این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و براساس کتب، مجله‌های علمی-پژوهشی، طرح‌ها و پژوهش‌ها و رساله‌های مرتبط، و بهره‌مندی از منابع اینترنتی (سایت‌ها، پایگاه‌های علمی اطلاع‌رسانی و ...) شکل یافته است، که سعی گردیده تمامی آن‌ها از منابع دست اول، پُر کاربرد و تخصصی برگزیده شوند. پُر واضح است که یافته‌های نو، برداشت‌های متفاوت و نظرات پژوهندهٔ این کتاب به‌ضرورت و در جای‌جای آن مطرح شده، تا آن‌چه عرضه می‌گردد، تلفیقی از تصنیف و تألیف باشد.

در پایان لازم است یادآوری کنم که پرداختن به تمامی اندیشه‌های برآمده از پهنهٔ فرهنگی ایران که محدوده‌ای نزدیک به ده میلیون کیلومتر از مرز چین تا آسیای کوچک را شامل می‌شود، از حوصلهٔ این تحقیق خارج است و آن‌چه در این کتاب مورد توجه قرار گرفته جلوه‌هایی از این فرهنگ است که در آثار اقبال به چشم می‌آیند.

و اما چند نکته:

۱) از آن‌جا که آثار سه‌گانهٔ مشهور و پُر کاربرد اقبال (دیوان اشعار فارسی، سیر حکمت در ایران و بازسازی اندیشهٔ دینی در اسلام) و نیز نامه‌ها و نگاشته‌ها، مصاحبه‌ها و سایر آثار پراکندهٔ وی را افراد و ناشران گوناگونی ترجمه، چاپ و منتشر کرده‌اند، و این‌جانب نیز در پژوهش خود، بارها و بارها، به مطالب بسیاری از این سه اثر و آثار دیگر به عنوان شاهد مثال استناد کرده‌ام، روش بهتر را در آن دیدم که هر سه اثر نخست مذکور را از آثاری انتخاب کنم که تصحیح و ترجمهٔ آن‌ها را جناب آقای دکتر محمد بقایی (ماکان) به عهده داشته‌اند، اما نامه‌ها و نگاشته‌ها، مصاحبه‌ها و ... همچنین دیوان اشعار اردوی اقبال را از سایر افراد و ناشران انتخاب کرده‌ام.

۲) روش نگارش در این کتاب بر این مبناست که آن‌چه عیناً از کتب و آثار

پیش‌درآمد ۱۱

نویسندگان برداشت شده، در « » قرار گرفته است، اما مطالب نقلی به مضمون هم که در « » قرار نگرفته و معمولاً تلخیص و ویرایش شده‌اند، دارای ارجاع به متن اصلی است.

۳) پردازش موضوع ایران از نگاه اقبال به معنی بال و پر دادن به موضوع ناسیونالیستی و ایرانی‌گری افراطی نیست؛ فرهنگ و آداب و سنت‌های اصیل ایران و عقلا و صاحبان قلم این سرزمین که به اعتدال نوشته‌اند و سروده‌اند، و حرکت توده‌های مردم ایران از آغاز تا اکنون روز، اسلام و ایران و مؤلفه‌های ایرانی و دینی را در این بخش از خاک خدا با هم خواسته‌اند. و این پژوهش نیز در راه و مرام، بر همین بنیاد بنیان نهاده شده است.

فصل اول: زندگی‌نامه، آثار، سبک ادبی، جهان‌بینی و افکار علامه محمد اقبال لاهوری

زندگی‌نامه

محمد اقبال لاهوری در روز جمعه سوّم ماه ذی‌قعدة سال ۱۲۹۴ هجری قمری برابر با هجدهم آبان سال ۱۲۵۶ شمسی و نهم نوامبر سال ۱۸۷۷ میلادی (رفیع، ۱۳۹۰: ۲۳) در شهر سیالکوت ایالت پنجاب چشم به جهان گشود. «نور محمد»، پدر اقبال مردی متدین بود و دکان کوچک پارچه‌فروشی او، محلّ تجمع دوستداران علم و ادب بود. مادر اقبال نیز که «امام بی‌بی» نام داشت، زنی پرهیزکار و مسلمان و از خاندانی شریف و بزرگوار بود که به قرائت قرآن مجید اهتمامی ویژه داشت (خسروی، ۱۳۸۸: ۲۰).

نیاکان اقبال از خاندان قدیمی هند و از کسانی هستند که آنان را «سیرو»^۱ می‌نامیدند. این واژه سیرو با پادشاه باستانی ایران، یعنی شاپور، پیوند می‌گیرد و بدین‌سان در واقع سیروها از نژاد ایرانی‌اند که در روزگار پیش از اسلام، از ایران به کشمیر مهاجرت می‌کنند و به دلیل خرد و هوشمندی بسیار می‌توانند به لایه برهمنان راه یابند. (همان) اما این خاندان ریشه‌دار هندی در دویست و پنجاه سال پیش به مکتب اسلام روی آورده و مسلمان می‌شوند (اقبال، ۱۳۸۸: ۵).

دوران کودکی اقبال در شهر سیالکوت گذشت و خانواده‌اش که بسیار مذهبی

۱. «سیرو» به معنی درس‌خوانده می‌باشد.

بودند، او را برای تعلیم و تربیت به مکتب‌خانه سید میرحسن سپردند، که در آن علاوه بر دروس اسلامی و الهیات، ادبیات فارسی و عربی نیز آموزش داده می‌شد. سید میرحسن از استعداد ادبی و هوش سرشار اقبال آگاهی یافت و هنگامی که اقبال در سال ۱۸۹۲م (۱۲۷۱ ه.ش) از مدرسه اسکاتلندی‌ها دانش‌آموخته شد، وی به پدر اقبال پیشنهاد داد تا اجازه دهد فرزندش به تحصیل خود در دانشگاه ادامه دهد.

اقبال که از همان دوره نوجوانی شروع به سرودن شعر کرده بود و شعرهایش را برای تصحیح به نواب میرزاخان - متخلص به داغ - که شاعری توانا بود، می‌سپرد، خیلی زود توانست نظر استادش را به دست آورد، به طوری که خود داغ به او گفت که شعرهای اقبال دیگر نیازی به تصحیح ندارد.

اولین پله پیشرفت اقبال، پس از ورود او به دانشگاه شهر لاهور شکل گرفت. اقبال در این شهر با «سیر توماس آرنولد» آشنا شد و با تشویق او در رشته فلسفه تحصیلش را ادامه داد و در سال ۱۹۰۵م (۱۲۸۴ ه.ش) به پیشنهاد وی به اروپا رفت و در آن‌جا با افق وسیع‌تری از علم و دانش روبه‌رو شد. او در دانشگاه کمبریج فلسفه خواند و در مونیخ دکترایش را با ارائه رساله‌ای به نام «توسعه و تکامل ماوراءالطبیعه در ایران» اخذ کرد و در طول سه سال اقامت خود در اروپا به توسعه و تکمیل فکر و دانش خود همت گماشت و پس از دریافت درجه استادی از دانشگاه کمبریج و نیز از دانشگاه مونیخ، در سال ۱۹۰۸م (۱۲۸۷ ه.ش) به هند برگشت.

وی پس از بازگشت به لاهور برای تدریس فلسفه و ادبیات انگلیسی، وارد دانشکده دولتی شد و اجازه داشت که به شغل وکالت دادگستری نیز بپردازد، ولی پس از چندی از استادی دانشگاه دست کشید و فقط به کار وکالت پرداخت.

اقبال در زندگی شخصی خود، سه ازدواج را از سر گذراند که ثمره این ازدواج‌ها دو پسر و سه دختر بود. وی از سال ۱۹۳۴م (۱۳۱۳ ه.ش) به ضعف شنوایی، ضعف بینایی، تنگی نفس و بیماری قلب دچار شد و سرانجام در روز پنجشنبه ۲۱ آوریل ۱۹۳۸م برابر با ۱۳۵۷ (ه.ق) و اول اردیبهشت ۱۳۱۷ (ه.ش) در سن شصت و یک سالگی چشم از جهان فرو بست (خسروی، ۱۳۸۸: ۲۲).

آثار

اقبال آثاری بسیار گرانبهایی به سه زبان فارسی - انگلیسی و اردو از خود به جای گذاشته که مهم‌ترین و اثربخش‌ترین آن‌ها عبارتند از:

۱. علم اقتصاد

مهم‌ترین و نخستین کتاب معتبر اقبال در موضوع اقتصاد، کتابی است با عنوان «علم اقتصاد» که وی آن را به پیشنهاد استادش سِر توماس آرنولد در سال ۱۹۰۳م (۱۲۸۲ ه. ش) به چاپ رسانید (خسروی، ۱۳۸۸: ۲۲). این کتاب به زبان اردو نوشته شده است (ساکت، ۱۳۸۵: ۲۷۶).

۲. سیر حکمت در ایران

اقبال این کتاب را در سال ۱۹۰۷م (۱۲۸۶ ه. ش) برای گرفتن مدرک دکترای فلسفه از دانشگاه مونخ به زبان انگلیسی نوشت، اما در واقع این کتاب، رساله‌ عالی‌ترین مرحله تحصیلات دانشگاهی اوست؛ رساله‌ای که آن‌چنان مورد توجه قرار گرفت که یک سال بعد، یعنی در سال ۱۹۰۸م (۱۲۸۷ ه. ش) در لندن چاپ و منتشر شد. این کتاب دربردارنده نکات عمده تفکر فلسفی مردم ایران از زرتشت تا دوران معاصر است و از زمان چاپ، آن‌قدر برای محافل علمی انگلستان و ایران مفید بوده است که هنوز نیز در مرکز توجه و مراجعه اهل مطالعه و متفکران قرار دارد. اقبال در خصوص روش خویش در این کتاب می‌نویسد: **(الف)** من کوشش کرده‌ام تسلسل منطقی تفکر ایرانی را ترسیم نموده و به زبان فلسفه جدید تفسیر نمایم و تا آن‌جایی که می‌دانم تا به حال چنین کاری انجام نگرفته است. **(ب)** موضوع صوفی‌گری را به روش کاملاً علمی بحث کرده و سعی نموده‌ام حالات معنوی که یک چنین پدیده‌ای مستلزم آن است، استخراج بکنم و برخلاف نظریه مورد قبول عموم، سعی کرده‌ام بیان بکنم که صوفی‌گری محصول طبیعی عملکرد نیروهای مختلف معنوی و اخلاقی است که لزوماً روح‌های به خواب رفته را به طرف زندگی ایده‌آل برتری متوجه می‌سازد.

۱۶ افکار پنهان ایرانیان

قسمت اول کتاب، بر روی فلسفه قبل از اسلام ایران، تعلیم دوگانگی زرتشت، مانی و مزدک متمرکز شده است. قسمت دوم دارای عناوین: ثنویت یونان، بحث در باره فلسفه اسلامی ایران: شامل صوفی‌گری و همچنین بحث مختصری راجع به برخی فرقه‌های دیگر نیز می‌باشد. کتاب شامل فلسفه نوافلاطونی ارسطو در ایران، عقل‌گرایی اسلامی، بحث بین واقع‌بینی و ایده‌آلیسم، صوفی‌گری و تفکر اخیر ایرانیان بوده و شرح مختصری راجع به عقاید معتزله، اشاعره، شیخ عبدالکریم جیلانی، شهاب‌الدین سهروردی، و ملا هادی سبزواری داده است (پیروالی ۱۳۷۱: ۳۳-۳۲).

این کتاب را اولین بار دکتر امیرحسین آریان‌پور با عنوان «سیر فلسفه در ایران» به فارسی ترجمه کرد (احمدپور، ۱۳۸۳: ۲۴). و بار دیگر با عنوان «سیر حکمت در ایران» در سال ۱۳۸۸ به همت دکتر محمد بقایی (ماکان) ترجمه شد. آقای میرحسن‌الدینی نیز آن را با عنوان «فلسفه عجم» به زبان اردو برگردانده است. ضمناً این رساله، بعدها به فرانسه نیز ترجمه شد (پیروالی، ۱۳۷۱: ۳۲).

۳. تاریخ هند

این کتاب را اقبال در سال‌های ۱۹۱۴-۱۹۱۳م (۱۲۹۳-۱۲۹۲ هـ. ش) برای دانشجویان و دانش‌آموزان هند به زبان اردو تألیف کرده است (خسروی، ۱۳۸۸: ۲۳).

۴. اسرار خودی

نخستین اثر اقبال به زبان فارسی است که درباره خودشناسی با نظریه‌های تازه فلسفی و اجتماعی به نظم درآمده است. وی در این کتاب شرح می‌دهد که جوهر کاینات و اساس آفرینش، یعنی «خودی» چون با عشق همراه گردد، چنان قدرتی خواهد یافت که می‌تواند بر سراسر جهان آفرینش حکمروایی کند.

اقبال بر این مثنوی مقدمه‌ای به زبان اردو نوشته است و در آن شرح داده که شرقیان، به‌ویژه مسلمانان، شخصیت و هویت اصلی خود را گم کرده و خویش را به فراموشی سپرده‌اند و در نتیجه مرعوب و مجذوب فرهنگ غربی

زندگی‌نامه، آثار، سبک ادبی، جهان‌بینی و افکار علامه محمد اقبال لاهوری ۱۷

گشته‌اند، که برای رهایی از این مشکل، آنان بایستی به کار و کوشش روی آورند، و با کشف نیروهای بالقوه خود، از تن‌پروری و سپردن کارها به دست تقدیر دوری گزینند.

سراسر منظومه اسرار خودی در بسط نظریه خودی است که مرکز فکر شاعرانه اقبال را تشکیل می‌دهد. این منظومه بر وزن مثنوی مولوی (بحر رمل مسدس محذوف/ مقصور) سروده شده و نخستین بار در سال ۱۹۱۵م (۱۲۹۴ه.ش) انتشار یافته است.

اقبال در چاپ اول این مثنوی به حافظ می‌تازد و او را باعث اهمال و خودگم‌کردگی و گوشه‌نشینی مسلمانان می‌داند، اما پس از اعتراض مسلمانان هند، در چاپ دوم سی و پنج بیت را که متضمن تخطئه حافظ بود، از منظومه اسرار خودی حذف کرد و به جای آن اشعاری را با عنوان «در حقیقت شعر و اصلاح ادبیات اسلامی» جایگزین نمود (همان: ۲۵). اقبال در یکی از نامه‌هایش در باره این مثنوی می‌نویسد: «این مثنوی در عرض دو سال گفته شد ولی نه به طور مدام، بلکه بیشتر آن روزهای یکشنبه^۱ و بعضی از شب‌هایی است که در سرودن آن مثنوی خواب نمی‌رفتم ... مسلمانان هندوستان از قرن‌ها تحت تأثیر افکار ایرانی قرار گرفته‌اند و آن‌ها از اسلام عربی و هدف آن هیچ خبری ندارند. همه آرمان‌های ادبی و هدف‌های اجتماعی آن‌ها از اندیشه ایرانی سرچشمه گرفته است. منظور من این است که در این مثنوی از چهره اسلام حقیقی پرده بردارم و آن را به نحوی که حضرت رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله) معرفی کرده است بیان کنم. متصوفین آن را حمله‌ای بر تصوف پنداشته‌اند و این عقیده تا حدی صحیح است. ان شاء الله در قسمت دوم آن، نشان خواهم داد که تصوف چیست و از کجا آمده است و تا چه اندازه‌ای از روش و سیر و سلوک صحابه پرورش می‌یابد.» (پوروالی، ۱۳۷۱: ۳۵).

به هنگام نوشتن اسرار خودی، اقبال خود کم‌کم احساس کرد که این مثنوی را خودش نمی‌نویسد، بلکه نیرویی او را در این امر هدایت و یاری می‌کند. وی در نامه‌ای به مه‌اراجه کشن پرشاد (مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۱۶م) می‌نویسد: «... این مثنوی

۱. روزهای یکشنبه، روز تعطیل در هند و پاکستان است.

که نام آن را «اسرار خودی» گذاشته‌ام، فطرت من [است که] رو به سوی سرمستی و از خود بی‌خود شدن دارد. به خدای واحد قسم، کسی که جان و مال و آبروی من در گرو اوست، این مثنوی را از خود ننوشتیم، بلکه در نوشتن این مثنوی نیرویی مرا هدایت و مدد کرده است. من بسیار متعجب هستم از این که چرا مرا برای نوشتن این مثنوی انتخاب کردند. تا وقتی که قسمت دوم این مثنوی را به پایان نرسانم، روحم آرام نخواهد گرفت. در حال حاضر تنها احساسی که دارم چنین است و این را وظیفه خود می‌دانم و شاید مقصود اصلی از زندگی نیز همین باشد. من می‌دانستم که با این مثنوی مخالفت خواهد شد؛ زیرا همه ما نسل زمان انحطاط هستیم:

نامید هستیم ز یاران قدیم طور می‌سوزد که می‌آید کلیم
(اقبال، ۱۳۸۸، اسرار خودی: ۲۶)

نه خواجه حسن نظامی^۱ خواهد ماند و نه اقبال. این بذری که اقبال در زمین بایر و لم یزرع کاشته است رشد خواهد کرد؛ حتماً هم رشد خواهد کرد و علی‌رغم مخالفت‌ها بارور خواهد شد.» (پروالی، ۱۳۷۱: ۳۶-۳۵).

«اقبال در مثنوی اسرار خودی که «پیوستن» را نفی و «گسستن» را تبلیغ می‌کرد، با ردّ فلسفه تصوّف وحدت وجودی، جنگ قلمی بین خود و حامیان تصوّف وجودی، صوفیان، خانقاه‌نشینان سنتی، خواستاران شعر واپس‌گرایی و پیروان فلسفه پوسیده و فرسوده اشراق یونانی را باعث شد.» (همان).

۵. رموز بی‌خودی

دومین منظومه فلسفی اقبال که به زبان فارسی است، رموز بی‌خودی نام دارد که در سال ۱۹۱۸ م (۱۲۹۷ ه. ش) به چاپ رسیده است. موضوع اصلی آن رابطه بین فرد و اجتماع و ماهیت جامعه ایده‌آل و قوانین اخلاقی و اجتماعی حاکم بر جامعه است که بر مبنای تعلیم اسلامی پی‌ریزی شده باشد. با این حال، اقبال به عنوان یک مسلمان

۱. علی حسن، معروف به خواجه حسن نظامی (۱۹۵۵-۱۷۸۹ م) اهل ادب که به زبان محاوره‌ای اردو تسلط کامل داشت. وی در بارهٔ دهلوی و اوضاع اجتماعی آن مقالاتی نگاشته است و شیوهٔ بیانش بسیار جالب و مؤثر بوده است. بهترین کتابش «میلادنامه» است. بعد از چاپ «اسرار خودی» از منتقدان اقبال بود.

زندگی‌نامه، آثار، سبک ادبی، جهان‌بینی و افکار علامه محمد اقبال لاهوری ۱۹

متقی همیشه با فکر باز از ارزش‌های سایر مذاهب الهی تمجید می‌کرد. کتاب «رموز» به طور مسلّم متممی است بر دکترین «هستی مستقل» مثنوی «اسرار خودی» و این دو مجموعه شعر، اغلب به صورت یک کتاب تحت عنوان «اسرار و رموز» به چاپ می‌رسد. ترجمه انگلیسی آن را آربری در سال ۱۹۵۳م به چاپ رساند. «رموز بی‌خودی» و فراخوانی آن به نظریه پان اسلامیسم با استقبال پُر شور مسلمانان شبه قاره هند و سایر نقاط مواجه شد. اقبال در مورد موضوع کتاب «رموز بی‌خودی» چنین می‌گوید: «استحکام نفس افراد در قدرت حافظه آنهاست. استحکام وضع اقوام مبتنی بر حفاظت از تاریخ قومی آنهاست. گویا تاریخ هر قوم برای حیات ملی، به منزله قدرت حافظه است که با به هم مربوط ساختن مراحل مختلف زندگی و اعمال آنها می‌توان زمان قوم را محفوظ و قائم نگاه داشت. با در نظر گرفتن علم الحیات و عمرانیات توانستم در مورد هیئت ترکیبی ملت مسلمان و اجزای گوناگون آن مطالعاتی انجام دهم. یقین دارم که از طریق این نقطه نظر می‌توان زندگی امت مسلمان را درک کرد.»

«رموز بی‌خودی» با تقدیم به مسلمانان جهان شروع شده و با بحث راجع به رابطه بین فرد و اجتماع، افکار هر کدام و وابستگی‌شان به همدیگر، دنبال می‌شود. بر طبق نظر اقبال، نفس هر فرد، اول باید اثبات و ساخته شده و در اجتماع کامل شود، که سعادتش به نوبه خود، بستگی به رشد و حفظ نفس جامعه (عامه مردم) دارد. لذا نفس تواضع و فروتنی را با احساس عشق و متعلق بودن به سایرین و خدمت به دیگران یاد می‌گیرد و این گونه است که «بی‌خودی» اثبات «خودی» را کامل می‌کند. بنابراین هر جامعه‌ای در دنیا به راهنمایی صحیح پیامبری وابسته است (پوروالی، ۱۳۷۱: ۴۲-۴۰).

ع. پیام مشرق

اقبال در مقدمه‌ای که به زبان اردو بر مجموعه شعر پیام مشرق به نثر نوشته، گذری کوتاه بر ادبیات اروپا و به خصوص ادبیات آلمان داشته و از نهضتی در ادبیات آلمان به نام «نهضت شرقی» سخن می‌گوید که منظورش، گرایش ادبای آلمانی به ادبیات ایران

است. در روایت اقبال آمده که گوته از آغاز جوانی به افکار شرقی علاقه و تمایل داشته است و اولین جرعه آشنایی با شاعران ایرانی و سعدی را، «هامر» در خرمن جان او انداخت؛ زیرا پس از آن که در سال ۱۸۱۲م «فان هامر» تمام دیوان حافظ را ترجمه و منتشر کرد، هیجانی در جان گوته پدید آورد که رهاورد آن، «دیوان غربی» شد.

اقبال در این مقدمه به هدف خود از سرایش پیام مشرق نیز می‌پردازد و به‌صراحت می‌نویسد: «پیام مشرق صد سال بعد از دیوان غربی سروده شد که البته لزومی ندارد چیزی درباره‌اش عرض کنم، خوانندگان خودشان متوجه خواهند شد که منظور من از این اثر عرضه نمودن آن حقایق اخلاقی، دینی و ملی است که به تربیت معنوی افراد و ملل تعلق دارد. اوضاعی که اکنون در شرق وجود دارد، تا اندازه‌ای شبیه است به آن‌چه صد سال پیش در آلمان وجود داشته. حقیقت این است که اضطراب درونی ملل جهان مقدمه یک انقلاب بزرگ روحانی و فرهنگی است.» (اقبال، ۱۳۸۸: ۱۳۶-۱۳۵).

و بدین ترتیب، نشان می‌دهد که همان خطی که در اسرار خودی و رموز بی‌خودی بنیان نهاده است، در پیام مشرق نیز می‌خواهد آن را دنبال کند و ضمن پاسخ به دیوان غربی گوته، بار دیگر به ملت‌های شرقی این نکته را یادآوری کند که: «زندگی فقط در صورتی می‌تواند در پیرامون خود انقلابی به وجود آورد که انقلاب در درون خودش باشد، و هیچ دنیای نویی نمی‌تواند وجود خارجی پیدا کند، مگر این که وجودش نخست در قلب انسان‌ها صورت بندد.» (همان: ۱۳۶).

پیام مشرق با یک مثنوی که به پادشاه وقت افغانستان تقدیم شده شروع می‌گردد؛ آن‌گاه اقبال مجموعه‌ای را با نام «لاله طور» بعد از آن قرار داده که شامل ۱۶۳ دوبیتی پی‌درپی است.

«افکار» نام مجموعه سوم پیام مشرق است که در آن اشعاری است از قالب غزل و دوبیتی تا مثنوی و مستزاد و قطعه، که این اشعار هم با تنوع اوزان همراه است، هم با متنوع بودن همین قالب‌ها؛ یعنی اگر چند قطعه و مستزاد و مسمط آورده، هرکدام را با شیوه‌ای متفاوت از دیگری سروده و بدین ترتیب قدرت هنری و تسلط خود بر فنون و ظرایف شعری را نیز نمایان ساخته است.

زندگی‌نامه، آثار، سبک ادبی، جهان‌بینی و افکار علامه محمد اقبال لاهوری ۲۱

«می‌باقی»، چهارمین مجموعه شعر پیام مشرق را تشکیل می‌دهد که شامل ۴۵ غزل است با اوزان مختلف و درونمایه‌های متفاوت، اما از آن‌جا که شاعر فقط به سرایش غزل بسنده کرده و همان روئیه سنتی غزل‌سرایی کهن ایرانیان را پی گرفته، شایان توجه است. پنجمین بخش پیام مشرق، «نقش فرنگ» نام دارد و همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، شاعر به عمد بر سر آن بوده که در این بخش به غریبان بیردازد- غرب در زبان شعری اقبال با واژه «فرنگ» معرفی می‌شود که در زمانه وی برابر بود با مفهوم تحقیر و ناچیزانگاری اروپاییان در چشم و دل شاعر و مردم هند- بنابراین در آن به نام بسیاری از نام‌آوران نویسنده، دانشمند، سیاستمدار و فلاسفه غربی از شوپنهاور، نیچه، مارکس، تا برگسن، لاک، لنین و ... برمی‌خوریم که اقبال به مناسبت هریک از یک بیت گرفته تا غزلی کامل، مطالبی درخور بیان کرده، که نهایت هوش و استعداد این شاعر و فیلسوف را می‌رساند، زیرا با شناخت کامل و نقد آرای هرکدام، توانسته اندیشه خود را در باره ایشان در کوتاه‌ترین ابیات ابراز دارد؛ چنان که در یک بیت نظریه ضد سرمایه‌داری مارکس را این‌گونه سروده:

راز دان جزو و کل از خویش نامحرم شده است آدم از سرمایه‌داری قاتل آدم شده است
(اقبال، ۱۳۸۸، پیام مشرق: ۲۲۳)

و یا در باره نیچه گفته:

از سستی عناصر انسان دلش تپید فکر حکیم پیکر محکم‌تر آفرید
افکند در فرنگ صد آشوب تازه‌ای دیوانه‌ای به کارگه شیشه‌گر رسید
(همان: ۲۲۴)

ششمین و آخرین مجموعه این دفتر، با عنوان «خرده» نام گرفته که شامل ۲۴ بیت است که یا به شکل دوبیت و یا تک بیت سروده شده‌اند و مجموعاً دربرگیرنده حکمت‌های دانشورانه اقبال است:

ندارد کار با دون همتان عشق تذرو مرده را شاهین نگیرد
(همان: ۲۳۴)

نقد شاعر درخور بازار نیست نان به سیم نسترن نتواند خرید
(همان)

ای که گل چیدی، منال از نیش خار خار هم می‌روید از باد بهار
(همان)

۷. بانگ درا (زنگ کاروان)

اگرچه اقبال به عنوان شاعر بزرگ ملی و اردوزبان در هندوستان شناخته شده بود، اما سه مجموعه‌ای که از او منتشر شد، به زبان فارسی بود؛ تا این که در پی خواش مصرّانه دوستاش و به خاطر تحسین شعر اردو، در سال ۱۲۹۴ م (۱۳۰۳ هـ. ش) «بانگ درا» را به چاپ رساند که شامل بیشترین اشعار اردوی او تا سال ۱۹۲۳ م می‌باشد و در ادبیات این زبان شاهکار بی‌مانندی است.

این مجموعه مهیج، احساسات مردم هند را اعم از این که مسلمان بودند یا هندو در جهت حفظ شئون ملی و برانداختن یوغ استعمار انگلیس برانگیخت و اوضاع وخیم سیاسی و اجتماعی و اقتصادی کشور را برای آن‌ها مجسم ساخت. اقبال با این مجموعه، نهایت تمایلات ملی و بشری و استعداد و نبوغ هنری خود را بروز داده است. اشعار بانگ درا طی بیست سال جمع‌آوری و سروده شده و شامل سه قسمت است:

الف) اشعار سروده شده تا سال ۱۹۰۵ م، سالی که اقبال به اروپا رفت، شامل شعرهایی است برای بچه‌ها، راجع به طبیعت، همچنین اشعاری درمورد آرنولد و داغی (استادان اقبال) و اشعاری که شدت میهن‌پرستی و عشق به هندوستان و تأثر عمیق او را از اختلاف بین هندوها و مسلمانان نمایان می‌کند. بعضی از این اشعار به قدری مردمی است که در میان اردوزبانان به صورت آواز و ترانه خوانده می‌شود. «ترانه هندی» یکی از سروده‌های ملی است که در مجلس هندوستان در شب استقلال هند خوانده شده است.

ب) دومین بخش، اشعاری است که اقبال در طول سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۰۸ م که در اروپا تحصیل می‌کرده، سروده است، که بیشتر مربوط به عشق است. اقامت موقتی اقبال در اروپا اثر عمیقی بر افکار او گذاشت، و اگرچه تحت تأثیر تعصب و شوق غرب برای یادگیری و فعالیت اجتماعی قرار گرفت، اما متوجه شد که محتوای تمدن مادی غرب عاری از روح بوده و شیفتگی آن به ناسیونالیسم ملی، عامل نزاع و

زندگی‌نامه، آثار، سبک ادبی، جهان‌بینی و افکار علامه محمد اقبال لاهوری ۲۳

بدبختی آینده آن‌ها خواهد بود. این برداشت، ایمانش را در پایدار ماندن به ارزش‌های اسلامی استوار کرد و تصمیم گرفت اشعارش را به موضوع سعی و کوشش برای تجربه حیات اسلام اختصاص دهد.

ج) آخرین بخش این مجموعه، اشعاری است که در فاصله سال‌های ۱۹۰۸ تا ۱۹۲۳ م سروده شده و اقبال عظمت گذشته مسلمانان را به ایشان یادآوری کرده و خواستار یگانگی و اتحاد برون‌مرزی جامعه اسلامی مسلمانان شده، و مصرانه از آن‌ها خواسته که به سمت زندگی هدمند و فعال بروند (پوروالی، ۱۳۷۱: ۴۶-۴۵).

۸. زیور عجم

این دیوان شامل بخشی از غزل‌های اقبال است که جالب این جاست که گاه در آن با غزل‌های دو یا سه بیتی روبه‌رو می‌شویم که از شگردهای ادبی اقبال و نوآوری‌های وی در غزل‌سرایی محسوب می‌گردد. همچنین این مجموعه دارای چند قطعه، دو مستزاد و دو مثنوی «گلشن راز جدید» و «بندگی‌نامه» است که در سال ۱۹۲۷ م به چاپ رسیده است. مثنوی گلشن راز جدید به روش گلشن راز شیخ محمود شبستری شامل چند پرسش و پاسخ است که در آن از وحدت وجود با دیدی تازه سخن گفته شده است. اقبال در این مثنوی که اثری است عمیق، نه سؤال مطرح کرده و آن‌گاه هر یک را به تفصیل جواب گفته و بعضی از مسائل مابعدالطبیعه را با رویکرد به افکار جدید مطرح کرده و سپس اثر و نفوذ هر یک از آن‌ها را در جهان عمل و کوشش نشان داده است.

«در مثنوی بندگی‌نامه، او با استادی کامل، خلیات و هنر و موسیقی و شعر و مجسمه‌سازی و ادبیات محکومان به استعمار را شرح و به‌سختی مورد حمله قرار داده است و از آن نتیجه می‌گیرد که چگونه می‌توان از این‌گونه افراد، انسان‌های استوار و آزاد به وجود آورد.» (مشایخ فریدنی، ۱۳۵۸: ۵۲).

۹. جاویدنامه

این کتاب که یکی از آثار بزرگ ادبی، فلسفی و عرفانی اقبال است، ۱۹۵۷ بیت شعر

دارد که در سال ۱۹۳۲م به چاپ رسیده است. در جاویدنامه، نبوغ عقلی و شعری اقبال در بالاترین حدّ خود به نمایش گذارده می‌شود. این اشعار موضوع‌های جدید را به همراه موضوع‌های قبلی که در کتاب‌های پیشین او بحث شده، در اشعار پی گرفته و بازتاب داده است.

عنوان «جاویدنامه» نشان‌دهنده این است که اقبال این مجموعه را به نام پسر کوچکش جاوید نام‌گذاری کرده، و در پایان کتاب در فصلی تحت عنوان «خطاب به جاوید» اقبال نظرات بلند تربیتی و مبنای دین را به نسل نو بیان می‌کند. این مثنوی سفری روحانی از این جهان را به کرات دیگر آسمان، ماه، عطارد، زهره، مریخ، مشتری و زحل و از آن‌جا به آن سوی افلاک بیان می‌کند.

اصول الهام‌بخش این سفر، معراج حضرت محمد (ص) است که در قرآن و حدیث نیز بیان شده است. ابن‌العربی، سردهسته صوفیان (۱۲۴۰-۱۱۶۵ ه. ش) شرح سفر روحانی خود را در کتابش به نام «فتوحات مکیّه» به رشته تحریر درآورده و تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که پایه اساسی کتاب «کمدی الهی» دانته بیشتر تحت تأثیر این منبع بوده است. اقبال نیز در ضمن یکی از نامه‌هایش جاویدنامه را یک نوع «کمدی الهی» خوانده است. با توجه به شکل جاویدنامه، می‌توان آن را نوعی نمایشنامه منظوم نامید، که نقش نقّال آن در حدّ اقل کاهش یافته است. شاعر که در این مجموعه خود را «زنده‌رود» نامیده است، راهنما و راهبری دارد که کسی نیست جز مولوی که بر خلاف «ویرجیل» در کمدی الهی، قادر است در این سفر روحانی، مسافران را در سفر خود شریک کند.

از میان شرکت‌کنندگان در این سفر روحانی، می‌توان از بودا، تولستوی، صوفی مقدّس، حلاج، شیطان و... نام برد. شاعر این مجموعه شعر، صحنه‌ها را هم به صورت عادی و هم جادویی نمایش می‌دهد. او افکارش را از دهان شخص اول نمایش بیان می‌کند و کارش را با استفاده از قطعات زیبای حماسی جان می‌بخشد. جاویدنامه به حق می‌تواند در کنار «کمدی الهی»، «بهشت گمشده» و «قاوست» اثر گوته و در میان شعرهای حماسی، فلسفی و مذهبی بزرگ قرار گیرد. شاعر در دیباچه‌های هر بخش به زندگی بر روی کرات دیگر، تنهایی شاعر در اقامتگاه زمینی، منزل جدایی،

زندگی‌نامه، آثار، سبک ادبی، جهان‌بینی و افکار علامه محمد اقبال لاهوری ۲۵

و بالقوگی بشر در به دست گرفتن سرنوشت و تحت‌الشعاع قرار دادن کل خلقت می‌پردازد و سپس روح جلال الدین مولوی بر او ظاهر شده، اسرار معراج پیامبر را شرح می‌دهد و آن‌گاه شاعر سفر خود را آغاز می‌کند (پوروالی، ۱۳۷۱: ۶۰-۵۹).

این مجموعه با مناجات شروع می‌شود و با پندهای حکیمانه به پایان می‌رسد؛ و هرچند که قالب شعری آن، مثنوی است، اقبال سیزده غزل را که یکی از آن‌ها از مولوی می‌باشد، در لابه‌لای کارش گنجانده تا نشان دهد که آن‌چه برایش اهمیت دارد، پیام شعرش است و نه صورت و ظاهر و تن دادن به چهارچوب قوانین شعری، و دو دیگر آن‌که تنوع ادبی در خون اوست و معتقد به آن.

جدای از این ویژگی‌ها، باید بنویسیم از استعداد بالای شاعر در این مثنوی، که گاه سؤال‌ها و جواب‌ها در یک بیت و حتی یک مصرع مطرح شده‌اند، بدون آن‌که شاعر خواسته باشد از واژه‌های اضافه برای پُر کردن وزن یا جورشدن قافیه استفاده کند. البته بهره‌گیری شاعر از اطناب و این‌که هر جا لازم دانسته به شرح موضوعی خاص پرداخته، از دیگر شگردهای ادبی او در این مجموعه است.

آن‌چه از مجموع این مباحث به دست می‌آید، این است که اقبال ذوق و تیزهوشی شگرفی داشته و می‌دانسته که طرح مباحث سیاسی، اجتماعی، تاریخی، دینی، فلسفی، همزمان با هم در یک مجموعه، اگر با ابتکار همراه نباشد و از تنوع در قالب‌های شعری گرفته تا به کارگیری تخیل، تعدد شخصیت‌ها، گوناگونی روایت‌ها و ... بهره نبرد، نمی‌تواند جانمایه شعر را که همان پیام آن است، به خواننده منتقل کند و این کاری است که اقبال در جاویدنامه که به حق باید آن را شاهکار او نامید، انجام داده، و به‌نیکی نیز انجام داده است.

۱۰. بازسازی اندیشه دینی در اسلام

در دسامبر ۱۹۲۸م و ژانویه ۱۹۲۹م با دعوت انجمن مسلمانان شهر مدرّس، اقبال سخنرانی‌هایی را با موضوع اسلام، در مدرّس، حیدرآبادی و علیگره، انجام داد که این سخنرانی‌ها در سال ۱۹۳۰م در لاهور با عنوان «شش سخنرانی در باب احیای فکر دینی در اسلام» به چاپ رسید. بعدها هم با همین عنوان و شامل یک سخنرانی

دیگر به نام «آیا دین امکان‌پذیر است؟» دوباره چاپ شد. در این مباحث اقبال وظیفه بازسازی بنیان عقلانی فلسفه اسلامی را به گونه‌ای که مناسب حال جوّ روشنفکری و غیرمادی قرن جدید باشد به عهده گرفته و براساس اصول فلسفی که بر پایه قوانین الهی استوار است، به مبارزه علیه افکار غرب می‌پردازد که به اعتقاد او به شدت مادی شده است. اقبال در مقدمه همین کتاب در خصوص نیتش از بازسازی اندیشه دینی می‌نویسد: «من سعی کرده‌ام تا به این درخواست مبرم هرچند به طور ناقص با بازسازی فلسفه دینی اسلام با توجه به سنت و روش‌های فلسفی اسلام و جدیدترین پیشرفت‌ها در زمینه‌های مختلف علم بشری، پاسخ گویم...»

احیاء، کار بزرگ و مؤثری است و نشان‌دهنده کوشش‌هایی است که در جهت تبیین عقاید فلسفی اسلامی در قالب افکار و عقاید غربی انجام گرفته و مباحث به شکلی زیبا و نافذ و تأثیرگذار، بیان شده است (همان: ۵۰-۴۹). هفت عنوان این کتاب عبارتند از: شناخت تجربه دینی؛ معیار فلسفی مکاشفات تجربه دینی؛ مفهوم خدا و مقصود از نیایش؛ من بشری، آزادی و جاودانگی آن؛ روح فرهنگ اسلامی؛ اصل حرکت در ساختار اسلام؛ آیا دین امکان‌پذیر است؟ این کتاب به زبان انگلیسی منتشر شده است، که اولین بار در ایران با ترجمه احمد آرام و با عنوان «احیای فکر دینی در اسلام» به بازار نشر راه یافت و آن‌گاه برای بار دوم دکتر محمد بقایی (ماکان) ترجمه جدیدی از آن را با عنوان «بازسازی اندیشه دینی در اسلام» در سال ۱۳۸۸ به دستداران کتاب و اهالی اندیشه تقدیم کرد.

۱۱. مسافر

اقبال در سال ۱۹۳۳م به دعوت دولت وقت افغانستان به این کشور سفر می‌کند که در بازگشت به لاهور، ره‌آورد سفرش را در قالب مثنوی کوتاهی که در سال ۱۹۳۴م (۱۳۱۳ ه. ش) چاپ و منتشر شد، بیان کرده است. مهم‌ترین نکته این مثنوی آن است که اقبال هنگامی که با خرابه‌های شهر غزنین روبه‌رو می‌شود، پس از بیان تأسف خود از انحطاط مسلمانان، از خداوند می‌خواهد که ایمان مسلمانان و گذشته باشکوه ایشان را بدان‌ها بازگرداند. اقبال در این سفر معنوی نیز به خرق عادت